

کی‌روش VS برانکو در راند آخر!

سید مصطفی صابری - بازیکنان پرسپولیس از اردوی تیم ملی دیپورت شدند! فوتبال کشورمان، روزهای پرحاشیه‌ای را سپری می‌کند. به نظر می‌رسد «کی‌روش» و «برانکو» در راند پایانی مبارزه‌شان هستند؛ مبارزهای که با شروع لیگ برتر شانزدهم آغاز شد و این روزها، پس از برگزاری اردوی خارج از برنامه تیم‌ملی و در حالی که تیم فوتبال کشورمان هیچ بازی رسمی و تدارکاتی نداشت، با اعتراض جدی برانکو، شکل جدیدی گرفته است؛ برانکو شخصیت آرامی دارد و سخت وارد حاشیه می‌شود، اما با شروع لیگ اmsال، به خاطر تعطیلی‌های مکرر لیگ برای

اردوهای تیم‌ملی به دفعات با کی‌روش دچار تقابل شد. برانکو معتقد است این اردوها، که با تعطیلی لیگ و رفتن ملی پوشان تیمش همراه است هماهنگی را از قرمزهای پایتخت می‌گیرد و بازیکنان ملی‌پوش این تیم را از فرم ایده‌آل خارج می‌کند. کار به جایی رسید که پس از حضور برانکو در «برنامه نود» و بیان این ادعا که «اگر پرسپولیس قهرمان نشود، کی‌روش مقصر است»، سرمربی تیم‌ملی هم در واکنشی عجیب، بازیکنان پرسپولیس را از اردوی تیم‌ملی در شهر دبی دیپورت کرد! اقدامی که می‌تواند تاثیر بسیار منفی روی روحیه و عملکرد این بازیکنان و



تصویرسازی از سیدمحمد مرادی

حق، هم با کی‌روش است، هم با برانکو!

مازیار حکاک / ۱- تعطیلی لیگ به بهانه اردوی تیم‌ملی برای چهارمین بار در این فصل اتفاق می‌افتد. بازی‌های مقدماتی تیم‌ملی در مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ باعث شده است لیگ، وقفه‌های طولانی به خود ببیند؛ به عنوان مثال ۲۷ روز تعطیلی برای بازی با سوریه، صدای همه را آوآورد.

۲- اردوی تیم‌ملی در این مقطع از فصل در برنامه اولیه سازمان لیگ نبود اما بازی با مراکش، دلیلی برای برگزاری این اردو شد. بازی که اگر برگزار می‌شد می‌توانست برای تیم‌ملی و بازیکنان جوان و تازه دعوت‌شده مفید باشد اما همین بازی هم به دلیل کارشکنی اماراتی‌ها برگزار نشد. در چنین شرایطی معلوم نیست چرا برگزاری اردوی تیم ملی لغو شد؟! آن هم در شرایطی که تیم‌ها در اوج رقابت‌های لیگ هستند و از هفته آینده باید نیم‌فصل دوم را آغاز کنند. به اضافه این که تیم‌های حاضر در لیگ قهرمانان آسیا باید از پهن‌ماه در این مسابقات هم شرکت کنند.

۳- حضور نیافتن ۲ یا ۳ بازیکن مهم و تاثیرگذار می‌تواند تمرینات را تحت الشعاع قرار دهد. حال این که تیم پرسپولیس ۷ بازیکن در تیم‌ملی داشت و در این چند روز تمریناتش با ۱۳ یا ۱۴ بازیکن برگزار می‌شد!

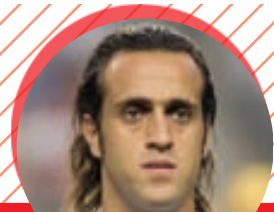
۴- در دنیای فوتبال، بازی تیم‌ملی قاعده و قانون دارد. بازیکنان قبل از بازی‌های مشخص شده و روزهای فیفادی اجازه همراهی تیم ملی‌شان را دارند. کما این که در خصوص لژیونرهای خودمان نظیر آزمون، جهانیشخ و قوچان نژاد و... وضع به همین ترتیب است. جالب است بدانید فیفا برنامه و تقویم مشخص بازی‌های رسمی و دوستانه از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ را در ماه ژوئن ۲۰۱۳ یعنی خردادماه سال ۹۲ اعلام کرده است و بر همان اساس عمل می‌کند.

۵- با این که در کشورهای پیشرفته و دارای لیگ، همه تقویم فیفا را ملاک عملشان قرار می‌دهند اما شرایط در بعضی کشورهای آسیایی و آفریقایی متفاوت است. در همین ایام و هم زمان با جنگ «برانکو» و «کی‌روش» بعضی رقبای تیم‌ملی در مقدماتی جام جهانی، در تعطیلات نیم فصلشان بازی تدارکاتی برگزار می‌کنند. چین و قطر در همین دی‌ماه به ترتیب برابر ایسلند و مولداوی بازی دارند، از بکستان هم در پهن‌ماه به مصاف گرجستان و ارمنستان خواهد رفت.

۶- اختلاف بین سر مربی تیم ملی یک کشور و سر مربیان تیم‌های باشگاهی امری طبیعی در فوتبال دنیاست. ولی به شکل مسائل اتفاق افتاده در کشورمان نیست و هیچ وقت پیش نمی‌آید که حتی حرف سر مربی قهرمان جام جهانی را ملاک عمل قرار دهند! با این حال سر مربی تیم ملی کشور، فلسفه خودش را دارد و سر مربیان تیم‌های باشگاهی هم نظرات متفاوتی دارند و طبیعی است که هر دو طرف به فکر موفقیت خودشان باشند. اما فراموش نکنیم قلدر بازی‌های او در بیشتر اوقات جواب داده و توانسته است فدراسیون مغفل را به حرکت وادارد؛ حرکتی که در نهایت به نفع تیم ملی تمام‌شده است.

چرا کی‌روش همه کاره فدراسیون است؟

فوتبال باشگاهی که پررونق باشد و رقابت‌ها ریتم جذابی بگیرد، تماشاگر لذت می‌برد، بازیکنان در تکاپوی بازی‌ها آماده می‌شوند و گزینش بازیکن برای تیم‌ملی هم راحت‌تر است. «کی‌روش» ثابت کرده است که در دعوت از بازیکنان به تیم ملی، حلقه بسته‌ای ندارد و به ویژه بعد از جام ملت‌های آسیا به بازیکنان جوان، اهمیت بسیاری می‌دهد اما تاکید مکرر او بر تعطیلی لیگ و اردوهای بلند مدت باعث شده است لیگ، جذابیت لازم را نداشته باشد و تیم‌ها محک کافی نخورند. بدنه اصلی تیم ملی را لژیونرهایی تشکیل می‌دهند که در بیشتر اردوهای تیم ملی با تاخیر زیاد به بقیه می‌پیوندند و اردویی که باعث و بانی تعطیلی لیگ برتر و ایجاد ناهماهنگی در تیم هاست، عملا فقط با حضور بازیکنان شاغل در لیگ برتر شروع می‌شود؛ بازیکنانی که بیشترشان حضور ثابت هم در تیم ملی ندارند. در هر اردو حدود ۲۰ بازیکن لیگ برتری حضور دارند که از بین آن‌ها فقط بیرانوند، سید جلال حسینی، رامین رضائیان و در نهایت امیری و طارمی با حاج صفی در ترکیب حضور دارند؛ در حالی که لژیونرهایی مثل میلاد محمدی، عزت‌اللهی، دژاگه، شجاعی، سردار آزمون، قوچان نژاد، کریم انصاری فرد، جهانیشخ، پورعلی گنجی و پیمان منتظری شانس زیادی برای بازی دارند و از ابتدا هم در اردو نیستند. این نشان می‌دهد زور کی‌روش برای برگزاری اردوهایش به باشگاه‌های خارجی نمی‌رسد تا بازیکنان اصلی را به اردو اضافه کنند اما باز هم روی برگزاری اردو تاکید دارد، حتی اگر به قیمت تضعیف لیگ باشد دلیل این موضوع هم مشخص است؛ وجهه بین المللی کی‌روش و عقبه رسانه‌ای قوی که دارد به او کمک می‌کند با فشار بدنه هواداران فوتبال و تیم‌ملی، فدراسیون را در موضع انفعال قرار دهد تا حجتی که حتی وقتی اردوی از پیش برنامه‌ریزی نشده‌ای هم وجود ندارد، می‌تواند بازیکنان را از اختیار باشگاه‌ها خارج کند. یکی از عوامل رسانه‌ای قوی کی‌روش که روی افکار عمومی هم نفوذ زیادی دارد و بیشتر از هر سایت و روزنامه ورزشی می‌تواند برای سرمربی تیم‌ملی جریان سازی کند، برنامه «نود» عادل فردوسی‌پور است. برنامه‌ای که در بزنگاه‌های حساس از نفوذش برای نقد جدی رفتارهای کی‌روش استفاده نکرده است. احتمالا تحلیل فردوسی‌پور این است که رفتارهای ساختارشکنانه کی‌روش بهترین حربه برای گرفتن امکانات و تقویت تیم‌ملی در برابر فدراسیون فوتبالی است که چه در زمان کفاشیان و چه حالا در زمان تاج، مدیریت منجمعی برای حمایت از تیم‌ملی ندارد. بدون شک اگر به جای کی‌روش یک مربی داخلی بود نمی‌توانست این حجم از خواسته‌ها را به فدراسیون فوتبال تحمیل کند تا نتیجه بگیرد؛ نتایجی که انصافا به ویژه طی چند وقت اخیر، خیلی هم درخشان بوده است؛ تیم‌ملی برخلاف همیشه که فقط نتیجه می‌گرفت، حالا خوب هم بازی می‌کند و همین فرصت خوبی برای دفاع بیشتر از کی‌روشی است که به نظر می‌آید به جای ساختار فدراسیون، تصمیم‌گیرنده اصلی فوتبال کشورمان است.



اردوی توهین آمیز

به گزارش مشرق «علی کریمی» هم در واکنش به اخراج بازیکنان پرسپولیس می‌گوید: «جالب است که اکنون ۱۶ یا ۱۷ نفر در اردوی تیم‌ملی حضور دارند که دو نفر هم مصدوم هستند و این اردو این‌چنین برگزار می‌شود. آیا برگزاری اردو با این شرایط اصلا لازم بود؟ این‌طور اردو برگزار کردن در شأن تیم‌ملی ایران نیست و نوعی توهین به شعور مردم است. مردم ما به خوبی می‌دانند که مربیان خارجی زیادی به تیم‌ملی ایران آمدند و رفتند و این تیم‌ملی است که مانده و مردم از آن حمایت می‌کنند. من از مهدی تاج انتظار داشتم که به این مسئله واکنش نشان دهد تا این اتفاقات در آینده باعث نشود. چون اگر متولی فوتبال خیلی زود به این موضوع ورود می‌کرد، تمامی این اتفاقات فروکش می‌کرد و ورق برمی‌گشت. اما به نظر من سکوت اصلا به نفع فوتبال ما نیست.»



حق با برانکو است!

رضا شاهرودی، بازیکن سابق تیم ملی هم در گفت‌وگو با «زندگی سلام» گفت: «با توجه به این که این روزها پرسپولیس در اردوی نیم فصل به سر می‌برد و کار این تیم در نیم فصل دوم بسیار سخت‌تر است، باید حق را به برانکو داد. چرا که بازی‌های تیم ملی دوستانه بود و انجام نشد و در نتیجه لزومی نداشت بچه‌های پرسپولیس در اردو باشند و سر مربی تیم ملی هم باید آن‌ها را از همان ابتدا برمی‌گرداند تا این مشکلات تمام شود. از یک مربی حرفه‌ای بعید بود که به این شکل، بازیکنان خوب تیم پرسپولیس را از اردو اخراج کند؛ این کار به هیچ وجه کار درستی نبود و ما از آقای کی‌روش توقع داشتیم با مربیان لیگ هماهنگ باشد. در این ماجرا، اگر به جای کی‌روش یک مربی ایرانی بود، قطعاً با برخورد بسیار بدی مواجه می‌شد.»



فدراسیون پادرمیانی کند

«مرتضی محمصص»، مدرس فیفا در پاسخ به این سوال «زندگی سلام» که «در ماجرای کی‌روش و برانکو، شما حق را به کدام طرف می‌دهید؟» می‌گوید: «مسئله این نیست که حق با کیست. مهم‌ترین مسئله، موفقیت تیم ملی کشورمان است. من فکر می‌کنم یکی از علل این درگیری‌ها، اختلاف سلیقه است؟ امیدوارم فدراسیون جلسه‌ای ترتیب دهد تا این دو مربی خوب کشورمان بتوانند اختلافاتشان را حل کنند. با توجه به این که تیم ملی ما در حال آمادسازی خود برای حضور در بازی‌های مقدماتی جام جهانی است، اگر امروز اختلاف بین دو مربی حل نشود، ممکن است در آینده این اختلاف‌ها به تیم هم سرایت کند. تیم ملی فوتبال ما امروز در شرایطی به سر می‌برد که در جدول مقدماتی جام جهانی با تیم‌های دیگر اختلاف چندانی ندارد اما اگر آماده نباشیم، شرایط به راحتی تغییر می‌کند و شانس صعودمان از دست می‌رود.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۵

۶ ربیع الثانی ۱۴۳۸ • ۱۴ ژانویه ۲۰۱۷

۶۶۴

نگاهی به خودزنی دختران دبیرستانی به بهانه انتشار کلیپی تکان دهنده

خون بازی!



الهه تونا- «خودمون به این کار می‌گیم خون‌بازی! وقتی خون‌بازی می‌کنی، آروم می‌شی. فقط

اون‌هایی که تجربه کردند، می‌فهمند چی می‌گم....» این‌ها می‌تواند حرف‌های مردی باشد گوشه زندان، که مشکلات زندگی و بار کار خلاف و تصور آینده‌ای که نیست، خسته و ناتوانش کرده. اما این جملات، حرف‌های «دختران نوجوان» است. طی چند سال گذشته، خودزنی و تیغ انداختن روی دست، ران پا و حتی سر، به یک روال معمول میان دختران نوجوان تبدیل شده است؛ رفتاری که در بیشتر مدارس کشور گزارش شده و نمونه‌هایش در تصاویر پروفایل‌های تلگرامی و پیج‌های اینستاگرامی دیده می‌شود. منتها

دست به دست شدن یک ویدئوی هفت دقیقه‌ای از جزئیات این ماجرا و تصاویر و صداهای این دختران که برای اولین بار و با اجازه خودشان توسط سایت تحلیلی‌خبری «عصر ایران» منتشر شده، دوباره این آسیب اجتماعی را سر زبان‌ها انداخته است؛ پدیده خون‌بازی! خانم روانشناس حاضر در این ویدئو که تجربه برخورد با این نوجوانان را دارد، معتقد است: «خودزنی در مدارس دخترانه، نه کاری عجیب و غریب که این روزها رایج و طبیعی است. آن قدر که همه در مدرسه از آن خبر دارند و...!»

■ خودزنی یک نشانه است...

خودزنی یک نشانه است. نشانه آن که دشمنی در بیرون وجود دارد و من زورم به او نمی‌رسد. پس می‌شوم دشمن خودم، چون زورم به خودم می‌رسد. چون به اشتباه فکر می‌کنم مالک جسم خودم هستم. چون درد و رنج جسمانی، همه حواس و تمرکز را به خودش جلب می‌کند تا برای مدتی هرچند کوتاه، دردهای روانم را فراموش کنم. این دردها کم نیستند، کوچک و قابل چشم‌پوشی نیستند؛ آزار و اذیت جسمی، تحقیر و بی‌حرمتی به شخصیت، نادیده‌انگاری، درک نکردن احساسات و نیازها، فقدان امنیت و حمایت، فشارهای روانی و تحصیلی و خیلی چیزهای دیگر که می‌شود از لابه‌لای حرف‌های نوجوانان آسیب‌دیده، شنید. داریم درباره نوجوانی حرف می‌زنیم؛ دوره‌ای پر از شور و هیجان و شیطنت، سرشار از توان فوق‌العاده برای آموختن و فهمیدن و آماده شدن برای استقلال و مسئولیت‌پذیری و ساختن آینده. ولی چه آینده‌ای در انتظار این دست‌ها و روح‌های زخمی است؟

■ هم جلب توجه، هم تهدید و هم فریاد درماندگی!

محمدرضا ایمانی، کارشناس علوم تربیتی و مردم‌شناسی، در این باره به «زندگی‌سلام» می‌گوید: «جامعه‌ما در حال رشد است و این رشد از نظر اقتصادی، برای همه به یک میزان نیست و فاصله‌ای که افراد بین خود و دیگران احساس می‌کنند، به خصوص برای نوجوانان یک فشار و ناراحتی عمیق ایجاد می‌کند. این یک بُعد قضیه است اما فشارهای روانی، لزوما در نتیجه وضعیت اقتصادی نامناسب نیست. بسیاری از این آسیب‌ها در خانواده‌هایی دیده می‌شود که به میزان کافی رفاه و آزادی دارند اما نه به شکل مناسب؛ یعنی فرزندان به جای محبت و درک و توجه، پول دریافت می‌کنند و آزادی، مساوی با به حال خود رها کردن فرزندان، در نظر گرفته می‌شود. اینجاست که فرد به روش‌های مختلف از جمله آسیب‌زدن به خود، تلاش می‌کند هم عواطف و توجه دیگران را برانگیزد و هم به نوعی، دیگرانی را که باعث ناراحتی‌اش شده‌اند، تهدید کند». ایمانی درباره نقش و وظایف مدرسه در قبال این آسیب‌ها می‌گوید: «وقتی درباره آموزش و پرورش صحبت می‌کنیم، قید «پرورش»، ارزش و مسئولیت زیادی را تپوشه مدارس می‌کند. من منکر این نیستم که خانواده‌ها مسئولیت خودشان را در قبال هزینه‌ای‌گراف به مدارس واگذار کرده‌اند، اما باید ببینیم آیا این تربیت و پرورشی که توقعش را داشتیم، در مدارس به تمامی و درستی انجام شده؟ یا صرفا با پدیده‌ای به نام «تجارت آموزش» مواجه هستیم؟ خانواده‌ها که نقشش را به درستی انجام نمی‌دهد، آموزش و پرورش هم که از زیر بار مسئولیت‌شانه خالی می‌کند. اینگونه است که نوجوانان ما برای پر کردن خلأهای موجود به پدیده‌ای مثل خودزنی و خون‌بازی پناه می‌برند!»

داستان دعوای همیشه مربیان لیگ با مربی تیم ملی

همه علیه یکی!

مجید حسین‌زاده- اعتراض مربیان لیگ برتر به اردوهای پی در پی و طولانی مدت تیم ملی از قدیم وجود داشته است و موضوع جدیدی نیست. به طور مثال در زمان مربی‌گری «علی دایی» در تیم ملی، در حالی که تنها ۵



هفته از شروع لیگ گذشته بود، به دستور دایی و برای برپایی یک اردوی ۲ هفته‌ای، لیگ تعطیل شد! این تصمیم با واکنش تند و اعتراض‌های شدید مربیانی مانند «برگی زر» مربی آن روزهای ابومسلم مشهد و «فیروز کریمی» که آن زمان مربی صباوی قوم بود، همراه شد؛ فیروز کریمی درباره آن تعطیلات گفته بود: «متأسفانه در حالی که بازیکنان ما استراحت کافی نداشتند، ۷۲ ساعت بعد از یک مسابقه سنگین برای تیم ملی به میدان رفتند و نتیجه‌اش این شد که غلامرضا رضایی مصدوم شود». جالب‌تر این که دایی هم در برابر این اعتراض‌ها کوتاه نمی‌آمد و معتقد بود: «باشگاه‌ها موظفند بازیکنان را در اختیار تیم‌ملی بگذارند». به جز دایی، در زمان مربی‌گری «افشین قطعی» هم از این دست مشکلات کم نبود. «رسول کریمندی،

مربی آن روزهای ذوب آهن اصفهان در خصوص تعطیلی ۱۸ روزه لیگ در زمان قطعی گفته بود: «آخر در کجای دنیا دیده‌اید لیگ این قدر تعطیل شود؟ تازه داشتیم جا می‌افتادیم که دوباره لیگ برتر تعطیل شد. واقعا حاج و واج مانده‌ایم که چه کار کنیم تا بازیکنانمان مشکل بدنی نداشته باشند. کجای دنیا این همه بدنسازی می‌کنند که ما انجام می‌دهیم؟ از قطعی و مسئولان فدراسیون می‌خواهم یک لیگ معتبر را نشان دهند که تا این حد تعطیلی دارد!» منتها این بار کمی داستان اعتراض‌ها و واکنش‌های مربی‌تیم ملی متفاوت است و باید منتظر بمانیم و ببینیم که سرانجامش به نفع تیم ملی است یا به ضرر آن؟